



## An Analysis and Evaluation of the NATO's security Strategies and Performances in Afghanistan (2001–2021)

Mohammad Musa Sadeqi\*

### Abstract

This study aims to analyze and evaluate NATO's security strategies and performance in Afghanistan within the framework of collective security theory. The central research question is: what were the security strategies and performances of the North Atlantic Treaty Organization (NATO) in the securitization of Afghanistan (2001–2021), and to what extent did they contribute to the establishment and sustainability of security in the country? The study adopts a descriptive–analytical approach and draws on library sources, as well as official and scholarly reports.

The findings indicate that NATO, particularly during the initial years of its mission, succeeded in establishing a relative level of security across the country. However, these achievements were largely short-term and dependent on the direct presence of foreign forces. Through training and equipping national security forces, supporting institutional reforms, and facilitating the transfer of security responsibilities, the organization played a significant role in the formation of formal state structures. Nevertheless, structural dependency, weak political legitimacy, the fragility of domestic institutions, and administrative corruption hindered the sustainable consolidation of these achievements.

The results further demonstrate that, although the collective security model has been effective in containing immediate threats, it cannot lead to sustainable stability without deep integration with indigenous state-building processes and the institutionalization of political legitimacy. The experience of Afghanistan underscores the necessity of simultaneously integrating security strategies with the development of local institutions in international interventions.

**Keywords:** Security, Collective Security, Strategy, Performance, NATO, Afghanistan

---

\* faculty member of the Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Khatam Al-Nabieen University, Kabul, Afghanistan.  
Email: musa.sadeqi26@gmail.com



## تحلیل و ارزیابی راهبرد و عملکرد امنیتی ناتو در افغانستان

محمد موسی صادقی\*

### چکیده

این تحقیق، با هدف تحلیل و ارزیابی راهبردها و عملکردهای امنیتی ناتو در افغانستان در چهارچوب نظریه امنیت جمعی انجام شده است. پرسش اصلی مقاله این است که راهبردها و عملکردهای امنیتی سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در امنیت‌سازی افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱) چه بوده و چه تأثیری بر ایجاد و پایداری امنیت در این کشور داشته است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های رسمی و علمی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ناتو در بعد امنیتی، به‌ویژه در سال‌های نخست مأموریت، موفق شد امنیت نسبی را در سراسر کشور برقرار کند. با وجود این، این دستاوردها عمدتاً کوتاه‌مدت و وابسته به حضور مستقیم نیروهای خارجی بود. سازمان، با آموزش و تجهیز نیروهای امنیتی ملی، حمایت از اصلاحات نهادی و پشتیبانی از انتقال مسئولیت‌های امنیتی، نقش مهمی در شکل‌گیری ساختارهای رسمی دولت ایفا کرد؛ اما وابستگی ساختاری، ضعف مشروعیت سیاسی، شکنندگی نهادهای داخلی و فساد اداری مانع از تثبیت پایدار این دستاوردها شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه الگوی امنیت جمعی در مهار تهدیدهای فوری کارآمد بوده است، اما بدون پیوند عمیق با دولت‌سازی بومی و نهادینه‌سازی مشروعیت سیاسی، نمی‌تواند به ثبات پایدار منجر شود. تجربه افغانستان ضرورت تلفیق هم‌زمان راهبردهای امنیتی با توسعه نهادهای محلی را در مداخلات بین‌المللی برجسته می‌کند.

**واژگان کلیدی:** امنیت، امنیت جمعی، راهبرد، عملکرد، ناتو، افغانستان

\* استاد و کدر علمی دیپارتمنت روابط بین‌الملل، پوهنتون حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون خاتم النبیین (ص) - افغانستان  
ایمیل: musa.sadeqi26@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

استناد به این مقاله: صادقی، محمد موسی (۱۴۰۴) تحلیل و ارزیابی راهبرد و عملکرد امنیتی ناتو در افغانستان، دو فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، پیاپی (۷)، صص ۲۴۱-۲۶۲

پایان جنگ سرد و تحول در ساختار نظام بین‌الملل، برخی از سازمان‌های بین‌المللی را با بحران کارکرد و بازتعریف مأموریت مواجه کرد. در این میان، سازمان پیمان اتلانتیک شمالی یا ناتو که در سال ۱۹۴۵ با هدف دفاع جمعی از اروپا در برابر تهدیدات بلوک شرق تأسیس شد، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با پرسش اساسی در مورد کارکرد سازمان در نظم نوین جهانی روبه‌رو شد. این مسئله، ناتو را به سمت بازتعریف دامنه‌ی عملیاتی و مفهومی خود سوق داد؛ روندی که سبب شد سازمان از یک پیمان دفاعی منطقه‌ای به یک بازیگر امنیتی با ظرفیت مداخله فرامنطقه‌ای تبدیل شود.

حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی نقطه آغاز این تحول به شمار می‌رود. فعال‌سازی ماده پنجم پیمان اتلانتیک شمالی، برای نخستین بار مفهوم دفاع جمعی را در برابر تهدیدی غیردولتی و نامتقارن به آزمون گذاشت. این اقدام نه تنها مبنای حقوقی حضور نیروهای ناتو را در افغانستان فراهم کرد، بلکه زمینه ارزیابی نظری کارآمدی امنیت جمعی در محیط‌های شکننده را ایجاد نمود. بدین ترتیب، افغانستان به عرصه بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین مأموریت برون‌مرزی ناتو طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ تبدیل شد.

در این مقطع زمانی و در چهارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، مأموریتی به نام «نیروی بین‌المللی کمک به امنیت» (ISAF) شکل گرفت و از سال ۲۰۰۳، فرماندهی آن به ناتو واگذار شد. سپس از سال ۲۰۱۵، مأموریت جدیدی به آن اضافه شد؛ «مأموریت حمایت قاطع». این مأموریت بیشتر بر آموزش، مشاوره و توانمندسازی نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان تمرکز یافت و نشان‌دهنده تغییر راهبرد از «مداخله مستقیم» به «انتقال مسئولیت امنیتی» بود.

با وجود سرمایه‌گذاری‌های گسترده مالی و انسانی، موفقیت مأموریت ناتو در افغانستان محل مناقشه است. برخی دستاوردهای کوتاه‌مدت آن را برجسته می‌کنند؛ اما فروپاشی نظام سیاسی افغانستان در ۱۴ آگست ۲۰۲۱، پرسش‌های جدی را درباره کارآمدی امنیت‌سازی مبتنی بر مداخله خارجی مطرح کرده است.

بنابراین، سؤال اصلی مقاله حاضر آن است که «نقش سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در امنیت‌سازی افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱) چه بوده و چه تأثیری بر ایجاد و پایداری امنیت در این کشور داشته است؟» در پاسخ، فرضیه تحقیق بر این مبنا استوار است که عملکرد ناتو در کوتاه‌مدت به کاهش تهدیدات امنیتی و ایجاد سطحی از ثبات نسبی





انجامید؛ اما در بلندمدت بنا به دلیل وابستگی امنیتی به حضور نیروهای خارجی، ضعف هماهنگی راهبردی و نبود رویکرد جامع امنیتی، نتوانست به تأمین امنیت پایدار منجر شود. در نتیجه، تجربه افغانستان ضمن گسترش دامنه عملیاتی ناتو، محدودیت‌های مداخلات نظامی خارجی در تحقق امنیت پایدار را آشکار کرد.

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل اسناد رسمی، گزارش‌های بین‌المللی و منابع معتبر علمی است. در این مقاله تلاش شده تا اطلاعات جمع‌آوری شده از گزارش‌های رسمی سازمان ناتو، قطعنامه‌های شورای امنیت و مطالعات دانشگاهی به صورت علمی تحلیل و بررسی شوند. در این مقاله، پس از مرور ادبیات تحقیق، تعریف مفاهیم کلیدی و ارائه چهارچوب نظری، راهبردها و عملکردهای مأموریت ناتو در افغانستان بررسی و سپس نقش و عملکرد آن در بعد امنیتی در افغانستان ارزیابی می‌شود.

بدین ترتیب، تحلیل تجربه افغانستان نه تنها برای فهم تحولات سیاسی و امنیتی این کشور اهمیت دارد، بلکه درک عمیق‌تری از تحول نهادهای امنیتی در نظام بین‌الملل و چالش‌های مداخله بشردوستانه در دولت‌های شکننده فراهم می‌آورد.

#### الف) پیشینه تحقیق

در مورد نقش و عملکرد ناتو در افغانستان، مقالات علمی متعددی به نگارش آمده است. یکی از آثار مهم در ارزیابی تجربه ناتو در افغانستان، مقاله «چابک در عملیات اما فاقد راهبرد: سال‌های پرهزینه ناتو در افغانستان»، اثر استن رینینگ و پال سیگورد هیلد (۲۰۲۲) است. این مقاله رابطه میان هدف سیاسی و کنش نظامی ناتو را در افغانستان بررسی کرده است. نویسندگان مقاله بر این مسئله تأکید می‌کنند که «هدف سیاسی» باید مقدم بر «ابزار نظامی» باشد. به باور نویسندگان، سازمان ناتو اگرچه از نظر عملیاتی و نظامی کارآمد ظاهر شد، اما از جهت راهبردی، فاقد انسجام و تعریف روشن از اهداف سیاسی مشترک بود؛ شکافی که در نهایت به ناکامی مأموریت در سال ۲۰۲۱ انجامید. به باور آنان، مشکل اصلی نه در اجرای عملیات‌های نظامی، بلکه در ناتوانی ائتلاف در تعریف، اولویت‌بندی و پیگیری اهداف سیاسی روشن نهفته بود. نویسندگان مقاله بیشتر عوامل ناکامی سازمان ناتو در افغانستان را بررسی کرده و نقش آن سازمان در امنیت‌سازی و دولت‌سازی را مورد توجه قرار نداده‌اند.

بنجامین زایلا (۲۰۲۵) در مقاله خود با عنوان «مداخله بین‌المللی در صلح و دولت‌سازی در افغانستان: استخراج درس‌های قابل آموختن» به بررسی تجربه مداخلات بین‌المللی، به‌ویژه ناتو در دولت‌سازی و صلح‌سازی افغانستان پرداخته است. وی نشان می‌دهد که خروج ناگهانی و غیرمنظم ایالات متحده آمریکا در ۲۰۲۱، عملیات مأموریت ناتو را خاتمه داد و پروژه‌های صلح‌سازی و دولت‌سازی با چالش‌های جدی مواجه شدند. نویسنده بر ضرورت ارزیابی هدفمند فعالیت‌های صلح‌سازان بین‌المللی برای به دست‌آوردن درس‌های عملی و سنجش اثربخشی راهبردهای امنیت‌سازی و دولت‌سازی تأکید می‌کند. این مقاله با اینکه در مورد صلح‌سازی و امنیت‌سازی نوشته شده، اما تمرکز بیشتر آن بر پیامدهای خروج آمریکا از افغانستان است. از این جهت، جایگاه تحقیق حاضر همچنان خالی به نظر می‌رسد.

لیمه احمد (۲۰۲۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «آیا سازمان ناتو در اصلاح بخش امنیتی در محیط‌های در حال منازعه و پسمنازعه ظرفیت تخصصی لازم را دارد؟»، به بررسی عملکرد سازمان ناتو در افغانستان پرداخته است. این مقاله نشان می‌دهد که همکاری آمریکا و متحدان ناتو در افغانستان فراتر از مبارزه با دهشت‌افکنی بود و بر تقویت ظرفیت‌های دولت افغانستان در سطح ملی و محلی متمرکز بود. با وجود این، به باور نویسنده، فقدان یک استراتژی یکپارچه سیاسی، نظامی، اقتصادی و بشردوستانه همراه با تعهدات ناهماهنگ کشورهای عضو ناتو و تصمیم‌گیری پراکنده آن کشورها، به ناکارآمدی اصلاحات در بخش امنیتی و کاهش ظرفیت‌سازی غیرنظامی منجر شد. این شرایط باعث شد که افغانستان به جای تبدیل شدن به یک کشور با ثبات، به کشور در حال جنگ و منازعه باز گردد و اعتبار دولت افغانستان نزد مردم آسیب ببیند. این مقاله بر توانایی ناتو در مدیریت سیستم امنیتی افغانستان تمرکز کرده و عملکرد آن سازمان در عرصه امنیت‌سازی و دولت‌سازی را از نظر دور داشته است.

بزرگمهری (۱۳۸۹) در مقاله «حضور ناتو در افغانستان و چالش‌های پیش‌رو» نیز به بررسی روند حضور نظامی ناتو در افغانستان و ترکیب آنها پرداخته است. ایشان ضمن بررسی حوزه‌ها و مناطق حضور ناتو در افغانستان، به چالش این سازمان در کشور اشاره کرده و به این باور است که این سازمان در افغانستان با چالش‌های اساسی در سه سطح ساختاری، منطقه‌ای و داخلی مواجه است. این مقاله اگرچه بر حضور ناتو در افغانستان



متمرکز است، اما نویسنده به نقش آن سازمان در دولت‌سازی و امنیت‌سازی در افغانستان توجهی نکرده است. به این لحاظ، جای تحقیق حاضر خالی به نظر می‌رسد.

### ب) تعریف مفاهیم

در پژوهش‌های علوم سیاسی و مباحث امنیتی، تعریف مفاهیم کلیدی از اهمیت اساسی برخوردار است؛ زیرا بسیاری از مفاهیم دارای معانی متنوع و وابسته به چهارچوب‌های نظری مختلف‌اند. از این رو، در این تحقیق با ارائه تعاریف مشخص و عملیاتی، تلاش شده است تا چهارچوبی روشن برای تحلیل موضوع فراهم و از ابهام در تفسیر نتایج جلوگیری شود.

#### ۱. امنیت

مفهوم امنیت در نظام بین‌الملل همواره در حال تحول بوده و تحت گفتمان‌های مختلف «امنیت منفی» و «امنیت مثبت» تحلیل شده است. در گفتمان امنیت منفی، امنیت به صورت نسبی و به معنای «نبود تهدید» تعریف می‌شود و عمدتاً بر جلوگیری از خطرهای تجاوز نظامی تمرکز دارد (مک‌کین‌لای؛ لیتل، ۱۳۸۰، ص ۱۸). در رویکرد سنتی، امنیت در بعد نظامی محدود می‌ماند و دولت‌ها و افراد نیز بازیگران اصلی قلمداد می‌شود. اما مطالعات فراستی، این مفهوم را توسعه داده و ابعاد جدیدی مانند سیاسی، اقتصادی، فناوری و ایدئولوژیک را به امنیت افزوده‌اند. همچنین نهادهای بین‌المللی و بازیگران متکثر، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت پیدا کرده‌اند (همان).

در گفتمان امنیت مثبت، امنیت فراتر از نبود تهدید تعریف شده و شامل ایجاد شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و منافع ملی نیز می‌شود (همان، ص ۲۵). در این رویکرد، امنیت به صورت چندبعدی بررسی شده و اصولی مانند تکامل تدریجی، تنوع، همزیستی، عدالت، مشارکت و آینده‌نگری در طراحی الگوهای امنیتی موفق لحاظ می‌شود. با گسترش فرایند جهانی‌شدن، مفهوم امنیت از سطح ملی فراتر رفته و امنیت جهانی مطرح شده است (همان، ص ۲۶-۲۹)؛ به گونه‌ای که حفاظت از جامعه، نهادها و شیوه‌های زندگی شهروندان در برابر تهدیدات بالفعل و بالقوه‌ی داخلی و خارجی در ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. براساس این، می‌توان گفت: امنیت عبارت است از «حفاظت جامعه، ارزش‌ها و نهادهای داخلی و قدرت انطباق آن در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، بالفعل و بالقوه، از جمله نسبت به تهدیداتی که بقای رژیم‌ها و نظام شهروندی و شیوه زندگی آحاد جامعه را تهدید می‌کند و موجودیت آنها را به خطر می‌اندازد» (سیف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۴۱).



## ۲. امنیت جمعی

امنیت جمعی عبارت است از واکنش جمعی در برابر عملی که تهدید جمعی تلقی می‌شود. این مفهوم در روابط بین‌الملل بر این اصل استوار است که تهدید علیه یک عضو، تهدیدی علیه همه اعضا محسوب می‌شود و همکاری و اقدام جمعی می‌تواند از گسترش ناامنی جلوگیری کند. این سیستم بر پایه تعهد واقعی و مثبت دولت به حفظ صلح جهانی شکل گرفته و هدف اصلی آن، جلوگیری از تجاوز و مهار خشونت‌های نظامی در سطح بین‌المللی است. امنیت جمعی نه تنها بر بعد نظامی تمرکز دارد، بلکه تلاش می‌کند با هماهنگی بین‌المللی و پاسخ دسته‌جمعی، نهادهای سیاسی و اجتماعی آسیب‌پذیر را در برابر تهدیدات محافظت کند. در این چهارچوب، هرگونه تجاوز به یکی از اعضا، به‌عنوان تجاوز به کل اعضا تلقی شده و واکنش هماهنگ از سوی جامعه بین‌المللی اعمال می‌شود (خانی، ۱۳۸۹، ص ۷۳). بنابراین، می‌تواند گفت: امنیت جمعی عبارت است از «دستگاهی که برای اقدام مشترک در جلوگیری یا مقابله با هر حمله‌ای علیه نظم بین‌المللی به وجود آمده است» (عاکفی قاضیانی و عاکفی قاضیانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۹).

## ۳. راهبرد

راهبرد یا استراتژی، مفهومی چندبعدی است که چهارچوب کلی و مسیر تصمیم‌گیری برای دستیابی به اهداف مشخص را نشان می‌دهد. نیکولز (۲۰۱۶) توضیح می‌دهد که استراتژی به‌عنوان پلی بین «اهداف» و «وسایل» عمل می‌کند و سیاست و تاکتیک را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در این دیدگاه، استراتژی شامل مجموعه‌ای از تصمیم‌ها درباره جهات اصلی مأموریت‌ها و اقدامات لازم برای تحقق اهداف است و بدون داشتن اهداف روشن، اقدامات صرفاً تاکتیکی و فاقد جهت خواهد بود. به‌دیگرسخن، استراتژی یا راهبرد باید با اهداف مشخص مشاهده شود و بدون آن، برنامه‌ریزی استراتژیک امکان‌پذیر نیست (Nickols, 2016, p. 7).

تعاریف موجود در ادبیات نظامی نیز بر ماهیت چندوجهی استراتژی یا راهبرد تأکید دارند و آن را نه تنها یک طرح یا موقعیت، بلکه ترکیبی از دیدگاه، موقعیت، برنامه و الگو می‌دانند که راهنمای کلی برای تصمیم‌ها و اقدامات خاص در مسیر دستیابی به اهداف استراتژیک فراهم می‌کند. راهبرد، پلی میان اهداف کلان سیاست و اقدامات عملی تاکتیکی است و شبکه‌ای از افکار، تجربیات و بینش‌ها را دربرمی‌گیرد که امکان اتخاذ تصمیم‌های هوشمندانه و هماهنگ برای رسیدن به اهداف را می‌دهد. به‌این‌ترتیب، استراتژی بدون



اهداف روشن، وجود خارجی ندارد و هر اقدام باید در راستای تحقق این اهداف هدایت شود (Military Strategy Magazine, 2013).

بنابراین، راهبرد عبارت است از چهارچوبی هدفمند برای هماهنگ‌سازی اهداف، روش‌ها و ابزارها به‌منظور دستیابی به مقاصد مشخص در شرایط عدم قطعیت و رقابت که جهت‌گیری کلی اقدامات را تعیین و امکان تحقق اهداف بلندمدت را فراهم می‌کند.

#### ۴. عملکرد

عملکرد به معنای اقدامات و رفتارهای سازمانی است که برای دستیابی به اهداف مشخص طراحی و اجرا می‌شوند. این مفهوم افزون‌بر نتایج قابل‌سنجش شامل کارکرد مؤثر، بهره‌وری، انعطاف‌پذیری، کیفیت رهبری، انسجام واحدها و توانایی سازگاری با شرایط پیچیده و متغیر نیز می‌شود. عملکرد، معیار سنجش موفقیت یک سازمان در تحقق اهداف و پاسخ به چالش‌های محیطی است.

منظور از عملکرد در این مقاله، توانایی نیروهای مسلح در انجام مأموریت‌های محول‌شده و دستیابی به اهداف استراتژیک است. این مفهوم شامل اثربخشی عملیاتی، انطباق با شرایط غیرمنتظره، کیفیت رهبری و انسجام واحدها و ارزیابی نتایج در چهارچوب اهداف سیاسی و امنیتی است. به‌دیگرسخن، عملکرد نظامی نه تنها میزان موفقیت در میدان نبرد، بلکه توانایی ارتش در تبدیل منابع و اقدامات به نتایج سیاسی پایدار را در برمی‌گیرد (Looti, 2025).

#### ج) چهارچوب نظری

از منظر تئوریک، تجربه افغانستان را می‌توان به کمک نظریه «امنیت جمعی» بررسی کرد. در این مقاله، امنیت جمعی به‌عنوان سازوکاری نهادی تعریف می‌شود که بر مبنای آن، اعضای یک نظام امنیتی متعهد می‌شوند در برابر تهدید علیه هر عضو، واکنش هماهنگ نشان دهند. نظریه «امنیت جمعی» بر این اصل استوار است که تهدید علیه یک عضو نظام بین‌الملل، تهدید علیه همه اعضای آن تلقی می‌شود و واکنش هماهنگ می‌تواند از گسترش ناامنی جلوگیری کند. «درون‌مایه امنیت دسته‌جمعی بر غیرقابل تفکیک بودن امنیت و وابستگی متقابل امنیتی تأکید دارد و بر اصل «همه برای یکی» استوار است و اینکه امنیت هریک از اعضا، امنیت همه کشورهای عضو خواهد بود» (خانی، ۱۳۸۹،



ص ۴۷۳). چنان‌که در ماده پنجم اساسنامه ناتو آمده است: «طرفین موافقت می‌کنند که هرگونه حمله مسلحانه علیه یک یا چند تن از آنها در اروپا یا امریکای شمالی به منزله حمله علیه آنها محسوب خواهد شد... در نتیجه با بهره‌گیری از حق دفاع فردی یا جمعی به طرف یا طرف‌هایی که مورد حمله قرار گرفته‌اند، کمک خواهند کرد و فوراً هم به‌صورت فردی و هم در هماهنگی با دیگر طرف‌ها، اقداماتی را که لازم می‌دانند از جمله استفاده از نیروی مسلحانه برای بازگرداندن و حفظ امنیت منطقه‌ی اطلانتیک شمالی انجام خواهند داد» (NATO's charter, 1994).

براساس این، امنیت جمعی «بر تعهد واقعی و مثبت اکثریت دولت‌ها به ارزش صلح جهانی متکی است. شرط اساسی آن این است که اصل غیرقابل تقسیم‌بودن صلح باید به‌طور عمیق در اندیشه دولت‌ها و مردم نهادینه شود» (Claude, 2006, p. 357). در واقع، امنیت جمعی، «سیستمی است که دولت‌ها در آن تلاش کرده‌اند تا از وقوع جنگ‌ها جلوگیری کنند یا آنها را متوقف کنند. تحت یک ترتیبات امنیت جمعی، هر متجاوز که به یک دولت حمله کند، به‌عنوان متجاوز علیه همه دولت‌های دیگر در نظر گرفته می‌شود و آنها با هم اقدام می‌کنند تا متجاوز را عقب برانند» (Encyclopedia Britannica, 2020).

عبدالله‌خانی اهداف و وظایف الگوی امنیت دسته‌جمعی را در قالب سه مجموعه «حفظ صلح»، «احیای صلح» و «صلح‌سازی» بیان کرده است: «حفظ صلح» یکی از مأموریت‌های مهم الگوی دسته‌جمعی است که تلاش می‌کند زمینه‌های هرگونه تجاوز و نظامی را از بین ببرد یا تضعیف کند. این دو جنبه، نوعی بازدارندگی در برابر تجاوز و نیز ارتقای سطح اعتماد و اطمینان در میان اعضا را در پی دارد. «احیای صلح»، از دیگر اهداف و وظایف سیستم امنیت جمعی است. در این میان، سیستم تلاش می‌کند از طریق مقابله با تجاوز نظامی علیه یکی از اعضا، این وظیفه و هدف را تحقق بخشد. ایجاد صلح یا «صلح‌سازی» از دیگر اهداف سیستم امنیت جمعی است. این هدف، معمولاً اقداماتی را شامل می‌شود که پس از پایان جنگ برای پشتیبانی از فرایندها و ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه جنگ‌زده صورت می‌گیرد تا اینکه خطر بازگشت جنگ را کاهش دهد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۴۷۸-۴۸۴).

با توجه به مطالب یادشده، راهبردها و عملکردهای امنیتی ناتو در افغانستان را می‌توان در سه بعد: «حفظ صلح»، «احیای صلح» و «صلح‌سازی» تحلیل کرد. نقطه آغاز این





حضور، فعال شدن ماده ۵ پیمان ناتو پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی بود؛ اصلی که بر مبنای آن حمله به یک عضو، حمله به همه اعضا تلقی می‌شود. فعال شدن این ماده، مبنای حقوقی و نظری ورود ناتو به افغانستان را در چهارچوب امنیت جمعی فراهم کرد و نشان داد که تهدید تروریسم بین‌المللی نه صرفاً یک مسئله داخلی، بلکه خطری علیه امنیت جمعی اعضای این ائتلاف تلقی شده است.

در بعد نخست، یعنی «حفظ صلح» ناتو با استقرار نیروی‌های آیساف و اجرای عملیات نظامی تلاش کرد تهدیدهای ناشی از حضور نیروهای دهشت‌افکن بین‌المللی را در افغانستان مهار و از گسترش ناامنی جلوگیری کند. در بعد دوم، «احیای صلح»، عملیات نظامی گسترده و همکاری جمعی اعضا با هدف مهار بحران‌ها و تثبیت اوضاع امنیتی و ایجاد حداقلی از نظم عمومی دنبال شد. در بعد سوم، «صلح‌سازی»، مأموریت ناتو به آموزش و تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان، حمایت از ساختارهای حکومتی و فراهم‌سازی بستر دولت‌سازی معطوف شد تا زمینه ثبات پایدار فراهم شود. بنابراین، نظریه امنیت جمعی چهارچوب مناسبی برای ارزیابی عملکرد ناتو در کاهش تهدیدات فوری و فراهم‌سازی زمینه برای دولت‌سازی و ثبات سیاسی فراهم می‌آورد.

#### د) راهبردهای ناتو در افغانستان

درحالی‌که سازمان ناتو در اصل برای تأمین امنیت جامعه اروپای غربی تشکیل شد؛ اما پایان جنگ سرد بسیاری از قواعد، هنجارها و رویه‌های ناتو را در راستای گسترش این سازمان تغییر داد. در این دوران، نه‌تنها سازمان از بین نرفت، بلکه فعالیت‌های آن بیشتر شد. در این مقطع زمانی، سازمان ناتو «حالت فعال، پویا و فرامنطقه‌ای به خود گرفته و فعالیت‌های آن رسماً بر نمایش قدرت، مدیریت بحران، تکثیرنشدن سلاح‌های کشتار جمعی و مقابله با تروریسم، مسائل زیست‌محیطی و غیره متمرکز شد» (امینی و حسین‌خانی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۲).

این سازمان در تلاش برای بقا، «با تغییر وظایف و مأموریت‌هایش از «دفاع سرزمینی» به «دفاع از منافع جمعی اعضا در سراسر جهان»، توانست با ایجاد تغییراتی در ساختار خود بر اساس شرایط نظام بین‌الملل، حوزه‌ی نفوذ خود را نیز گسترش دهد» (تیشه‌یار، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷). در واقع، سازمان تلاش کرد «تا با حفظ کارویژه‌های نظامی پیشین، نقش مهم‌ترین نهاد مدنی در جامعه‌ی جهانی قرن بیست‌ویکم را نیز ایفا نماید» (محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۸). به این ترتیب، مأموریت ناتو گسترش یافت و از حوزه جغرافیایی اروپا خارج شد.

## ۱. ایجاد مأموریت آیساف و انتقال مأموریت به ناتو

پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و دعوت مقامات افغانستان، «نیروهای بین‌المللی برای کمک به امنیت افغانستان» یا «آیساف»<sup>۱</sup> براساس توافق‌نامه‌ای سه‌جانبه بین دولت افغانستان، سازمان ملل متحد و کشورهای مشارکت‌کننده در دسامبر ۲۰۰۱ ایجاد شد تا امنیت کابل و مناطق اطراف آن را تضمین کند (سلیمانی و شجاع، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵) و شرایط را برای فعالیت دولت انتقالی و سازمان ملل متحد فراهم کند. به‌این ترتیب، امریکا و ناتو در این کشور آسیایی، حضور پررنگ یافتند (ملازهی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳). این نیرو ابتدا تحت فرماندهی دوره‌ای کشورهای مختلف عمل می‌کرد و هر شش ماه، یک کشور مسئولیت فرماندهی را برعهده می‌گرفت (NATO, 2022).

در ۱۱ آگست ۲۰۰۳، ناتو رسماً رهبری مأموریت آیساف را برعهده گرفت (رحمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲) و با ایجاد یک ستاد دائمی، هماهنگی و برنامه‌ریزی عملیات را متمرکز کرد. این اقدام سبب شد تا ساختار فرماندهی، یکپارچه و مؤثرتر شود و ناتو بتواند منابع گسترده و هماهنگ‌تری را برای مأموریت در افغانستان بسیج کند (NATO, 2022). با گذشت زمان و طبق قطعنامه ۱۵۱۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد، دامنه فعالیت آیساف به فراتر از کابل رفت و «بدین ترتیب، مأموریت نیروهای ناتو در قالب نیروهای بین‌المللی آیساف به تمام سرزمین افغانستان گسترش یافت تا منطقه‌ای در حدود ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع را در برگیرد» (بزرگمهری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴).

## ۲. گسترش عملیات در سراسر افغانستان

براساس اطلاعات وبگاه سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (NATO, 2022)، گسترش مأموریت ناتو در افغانستان در چهار مرحله انجام شد:

- مرحله اول، شمال کشور (۲۰۰۳-۲۰۰۴): برای نخستین بار، ناتو فرماندهی تیم بازسازی ولایتی (PRT)<sup>۲</sup> را در قندوز برعهده گرفت و سپس چندین تیم دیگر در شهرهای مزار شریف، میمنه، فیض‌آباد و بغلان ایجاد شدند. به‌این ترتیب، آیساف مسئولیت امنیت ۹ ولایت شمالی را برعهده گرفت.

- مرحله دوم، غرب کشور (۲۰۰۵-۲۰۰۶): در این مرحله، تیم‌های بازسازی در هرات، فراه، پنج‌چران و قلعه نو ایجاد شد. با این توسعه، آیساف مسئول تأمین امنیت حدود ۵۰

<sup>1</sup> International Security Assistance Force (ISAF)

<sup>2</sup> Provincial Reconstruction Teams – PRTs



درصد از خاک افغانستان شد. همچنین برای حمایت از انتخابات سال ۲۰۰۵، نیروهای اضافی به کشور اعزام شدند.

- مرحله سوم، جنوب کشور (۲۰۰۶): در این سال، آیساف مسئولیت مناطق جنوبی را نیز از نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده امریکا تحویل گرفت و شش ولایت جنوبی (دایکندی، هلمند، قندهار، نیمروز، ارزگان و زابل) را تحت پوشش قرار داد. با این گسترش، مجموعاً سیزده تیم بازسازی در شمال، غرب و جنوب فعالیت کردند.

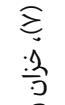
- مرحله چهارم، شرق کشور (۲۰۰۶): در اکتوبر ۲۰۰۶، آیساف مسئولیت مناطق شرقی افغانستان را برعهده گرفت و در نتیجه، کنترل نظامی در سراسر کشور را به دست آورد.

در این چهار مرحله، مأموریت آیساف از یک نیروی محدود در کابل، به یک مأموریت سراسری در کل افغانستان تبدیل شد. به این لحاظ، آیساف از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین مأموریت‌های نظامی در تاریخ ناتو بود که با مشارکت بیش از ۱۳۰ هزار سرباز از ۵۱ کشور و شریک ناتو انجام یافت.

### ۳. گذار به مأموریت آموزشی و مشاوره‌ای

با نزدیک شدن به پایان مأموریت رزمی، رویکرد این سازمان در افغانستان تغییر کرد؛ تحول از مداخله مستقیم نظامی به سمت توانمندسازی نهادهای امنیتی. این تحول در نشست سران ناتو در لیسبون ۲۰۱۰ تصویب و در نشست‌های بعدی در شیکاگو (۲۰۱۲) و والز (۲۰۱۴) بر آن تأکید شد.

زمینه‌های گذار: مأموریت ناتو در افغانستان در قالب نیروی بین‌المللی کمک به امنیت از سال ۲۰۰۳ تا پایان ۲۰۱۴ ادامه داشت. در سال‌های پایانی، با افزایش ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان، روند انتقال مسئولیت امنیتی به دولت افغانستان آغاز شد. در سال ۲۰۱۳، نیروهای امنیتی افغانستان رسماً مسئولیت کامل عملیات‌های امنیتی در سراسر کشور را برعهده گرفتند. پس از آن، نقش آیساف از رهبری مستقیم عملیات‌های رزمی به پشتیبانی و آموزش تغییر یافت و سرانجام این مأموریت در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ پایان یافت (NATO, 2022). دبیر کل ناتو در نشستی گفت: نقش جنگی ناتو در افغانستان پایان یافته و ۱۳ هزار نیروی این سازمان اکنون به نیروهای افغانستان آموزش و مشوره می‌دهند تا این نیروها در برابر هراس‌افکنان بجنگند (سلام‌وطندار، ۲۴ می ۲۰۱۷).



ایجاد مأموریت «حمایت قاطع»: پس از پایان آیساف، ناتو در ۱ جنوری ۲۰۱۵ مأموریت جدیدی به نام «حمایت قاطع»<sup>۱</sup> را آغاز کرد. این مأموریت با تمرکز ویژه بر آموزش، مشاوره و کمک به نیروهای امنیتی و مؤسسات افغان طراحی شد تا تضمین کند که نیروهای افغانستان قادر به مدیریت مستقل امنیتی و نهادی کشور باشند. طبق مفاد قطعنامه ۱۸۸۳ شورای امنیت، ناتو در افغانستان عهده‌دار وظایف ذیل شد:

- مشاوره، آموزش و تجهیز نیروهای امنیت ملی افغانستان؛
- تأمین امنیت و ایجاد ثبات در سراسر کشور همراه با نیروهای امنیت ملی افغان؛
- حمایت از توسعه و بازسازی در افغانستان؛
- کمک به مقامات افغان برای تقویت نهادهای لازم در جهت ایجاد حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، ارتقای حقوق بشر و اصلاح نظام قضایی با کمک تیم‌های بازسازی ولایتی؛
- مبارزه با مواد مخدر (Morelli & Belkin, 2009).

در چهارچوب نظری امنیت جمعی و دولت‌سازی، این تحول بیانگر گذار از مرحله «حفظ صلح از طریق قدرت نظامی» به «حفظ صلح از طریق تقویت نهادهای داخلی» بود. ناتو به این جمع‌بندی رسید که ثبات پایدار تنها از طریق تقویت نیروهای بومی و نهادهای حکومتی است، نه از طریق حضور نامحدود نیروهای خارجی. در اسناد رسمی ناتو تأکید شده است که هدف «حمایت قاطع» کمک به ایجاد نیروهای امنیتی برای افغانستان بود (NATO, 2022, May 30).

#### ه) عملکردهای ناتو در افغانستان

در این بخش، عملکرد ناتو در افغانستان بررسی و تحلیل می‌شود. ارزیابی عملکرد این سازمان بر میزان موفقیت آن در تحقق اهداف اعلام‌شده، به‌ویژه در حوزه تأمین امنیت و مدیریت تهدیدات متمرکز است. حضور ناتو از آغاز مأموریت آیساف تا پایان مأموریت «حمایت قاطع»، با هدف مبارزه با تروریسم، کنترل ناامنی‌ها و ایجاد ثبات نسبی در کشور صورت گرفت. با وجود این، نتایج این حضور یکدست نبوده و ترکیبی از دستاوردهای عملیاتی و چالش‌های پایدار را در برمی‌گیرد.



<sup>1</sup> Resolute Support Mission



## ۱. مقابله با القاعده

در بعد امنیتی، سازمان ناتو توانست دستاوردهای قابل ملاحظه، اما مقطعی را در افغانستان داشته باشد. در این مقطع، سازمان ناتو توانست مراکز القاعده را در افغانستان از بین ببرد و کنترل جغرافیای افغانستان را در اختیار گیرد و با مواد مخدر نیز مبارزه کند. یکی از اهداف اولیه حضور ناتو در افغانستان، به ویژه از طریق آیساف، مقابله با شبکه جهانی القاعده و از بین بردن پناهگاه‌های امن آنان بود. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ناتو و متحدانش اقدام به حملات شدید علیه کمپ‌ها و مراکز فرماندهی القاعده کردند و بسیاری از رهبران آن را هدف قرار دادند؛ اقداماتی که به نابودی ساختارهای آموزش و عملیات القاعده در افغانستان انجامید و این گروه را در سال‌های اولیه حضور خود تضعیف کرد. این رویکرد در اسناد رسمی ناتو به عنوان بخشی از مبارزه با تروریسم و جلوگیری از استفاده افغانستان به عنوان پایگاه عملیاتی القاعده مورد تأکید قرار گرفته است (NATO, 2022, Aug 31)، هرچند تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این تضعیف، عمیق و کامل نبود. دلایل مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد. اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل، حمایت بیش از حد جامعه بین‌المللی و به ویژه نیروهای ناتو از افغانستان بود؛ امری که به وابستگی شدید نیروهای امنیتی افغانستان به نیروهای بین‌المللی منجر شد. به باور کارشناسان، «ارائه حمایت ناکافی یا نوع نادرست حمایت، خطر شکست را به همراه دارد؛ درحالی که ارائه حمایت بیش از حد ممکن است به ایجاد یک دستگاه امنیتی دولتی ضعیف و وابسته منجر شود» (Jones & Fair, 2010, p. 54)؛ امری که در افغانستان به درستی قابل مشاهده است.

## ۲. کنترل مناطق استراتژیک

ناتو در دوره مأموریت آیساف توانست در چهار مرحله عملیاتی، بخش‌هایی از مناطق استراتژیک افغانستان را تحت کنترل درآورد و به صورت موقت سطحی از امنیت را در آن مناطق برقرار کند (NATO, 2022). این عملیات‌ها عمدتاً در چهارچوب گسترش تدریجی حوزه مسئولیت از کابل به سایر ولایات و با هدف تثبیت حضور دولت مرکزی انجام شد. در نتیجه این اقدامات، نیروهای ائتلاف توانستند کنترل مستقیم ولایات، مسیرهای حیاتی و مراکز مهم شهری را به دست گیرند.

با وجود این، این کنترل اغلب ماهیتی ناپایدار و موقتی داشت و در بسیاری از موارد، با کاهش حضور نیروهای خارجی یا انتقال مسئولیت به نیروهای داخلی، مجدداً با چالش مواجه می‌شد. گروه‌های مخالف حکومت با استفاده از تاکتیک‌های جنگ نامتقارن،

حملات پراکنده و بهره‌گیری از ضعف‌های ساختاری در نهادهای امنیتی، توانستند نفوذ خود را در برخی مناطق بازیابی کنند. افزون‌براین، تمرکز بیشتر بر کنترل مراکز شهری و شاهراه‌ها، درحالی‌که مناطق روستایی و دورافتاده کمتر تحت پوشش مؤثر قرار داشت، موجب شد شکاف‌های امنیتی همچنان پابرجا بماند. از این رو، هرچند ناتو در مقاطعی موفق به ایجاد کنترل نسبی در مناطق استراتژیک شد، اما این دستاوردها به دلیل فقدان پایداری و استمرار، نتوانست به تثبیت کامل امنیت در سطح ملی منجر شود.

### ۳. ایجاد و آموزش نیروهای امنیتی

مهم‌ترین نقش ناتو در افغانستان، کمک به نیروهای امنیتی این کشور است. این سازمان نقش کلیدی در ایجاد و آموزش نیروهای امنیتی افغانستان داشت. مأموریت آیساف و سپس حمایت قاطع، بر آموزش، تجهیز و ایجاد ساختار فرماندهی برای ارتش و پلیس ملی افغانستان تمرکز یافت تا این نیروها بتوانند به صورت مستقل امنیت کشور را برعهده گیرند (NATO, 31 August 2022).

در تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۰۶، بیانیه‌ای مشترک میان حامد کرزی و دبیر کل ناتو امضا شد که چهارچوب همکاری بلندمدت ناتو با افغانستان را تا زمان دستیابی دولت به توانایی مستقل تأمین امنیت و ثبات ترسیم کرد. این چهارچوب بر تقویت نهادهای امنیتی و دفاعی ملی به صورت شفاف، حرفه‌ای و دموکراتیک، تدوین اسناد راهبردی مانند استراتژی امنیت ملی و نظامی، اصلاح نظام مدیریت، آموزش و تجهیز نیروها و توسعه قابلیت‌های همکاری میان ناتو و اردوی ملی افغانستان تأکید داشت. همچنین حمایت از مدرن‌سازی، ایجاد سیستم مدیریت مهمات، آموزش‌های تخصصی و زبانی، تقویت ظرفیت‌های هوایی و فنی و بهبود هماهنگی نظامی-غیرنظامی از محورهای اصلی آن بود (NATO, 2006).

در بعد وسیع‌تر، این بیانیه بر پشتیبانی از اصلاحات ساختاری، مبارزه با مواد مخدر و قاچاق انسان، تقویت امنیت مرزی، همکاری اطلاعاتی، نظارت و ارزیابی اوضاع امنیتی، حمایت از تیم‌های بازسازی منطقه‌ای و هماهنگی با یوناما تأکید می‌کرد. هدف نهایی این چهارچوب، ارتقای ظرفیت‌های دفاعی و اداری افغانستان، تقویت اعتماد عمومی و ایجاد زمینه انتقال مسئولیت‌های امنیتی به دولت افغانستان در قالب یک مشارکت راهبردی بود (مطیع، ۱۳۹۵، ص ۷۶ و NATO, 2006).





پس از تشکیل حکومت ملی در افغانستان و تأسیس نیروهای امنیت، پلیس و ارتش این کشور، نیروهای مسلح افغانستان تحت آموزش نیروهای ناتو قرار گرفتند. مأموریت آموزشی ناتو در افغانستان<sup>۱</sup> در نوامبر ۲۰۰۹ به فعالیت آغاز کرد و تمرکز آن بر آموزش اردوی ملی افغانستان (ANA) و قوای هوایی افغان (AAF) بود (NATO, 2012). فرماندهی مأموریت به صورت هم‌زمان بر آموزش و انتقال امنیت نظارت داشت و مراکز آموزشی نظامی کابل و شش مرکز منطقه‌ای تحت فرماندهی لوی درستیز فعالیت می‌کردند. نیروهای ائتلاف، همراه با تیم‌های هماهنگی و مشاوره‌ی عملیاتی، برنامه‌های آموزشی را اجرا و ارتباط میان نیروهای افغان و آی‌ساف را هماهنگ می‌کردند (NATO, 2022).

فرماندهی آموزش هوایی ناتو (NATC-A) نیز مسئول آموزش، مشاوره و تأمین تجهیزات برای قوای هوایی افغانستان و گروه‌های آموزشی در کابل، قندهار، شیندند و برخی میدان‌های هوایی کوچک مانند هرات مستقر بودند. همچنین قطعات هوایی پلیس ملی افغانستان آموزش و حمایت می‌شدند و در عملیات‌های مبارزه با مواد مخدر و مأموریت‌های لجستیکی فعال بودند.

با تمام تلاش‌ها، مطالعات نشان می‌دهد که هرچند ناتو توانست ساختارهای نظامی رسمی و سازماندهی شده ایجاد کند، اما ضعف در تجربه عملیاتی مستقل، مشکلات مدیریتی، فرار نیروها و تلفات بالای نیروی انسانی باعث شد این ارتش نتواند به‌طور کامل نقش امنیتی مستقل را حفظ کند. افزون‌بر آن، وابستگی به پشتیبانی هوایی و لجستیکی خارجی باقی ماند (Jones & Fair, 2010).

#### ۴. ایجاد اصلاحات در بخش امنیتی

ناتو با مأموریت آموزش و مشاوره، بخشی از تلاش دولت‌سازی را به اصلاح نهادهای امنیتی، اداری و حکومتی اختصاص داد. از طریق مکانیسم «حمایت قاطع»، ناتو به تقویت وزارت دفاع، وزارت داخله، ساختار فرماندهی مشترک، مدیریت مالی و برنامه‌ریزی استراتژیک این نهادها پرداخت (NATO, 2022a). ناتو در عرصه نهادسازی، فعالیت‌های زیر را انجام داد (NATO, 2022b):

- آموزش مدیران و فرماندهان ارشد نظامی؛
- کمک به تدوین راهبردها و اسناد رسمی امنیتی؛

<sup>1</sup> NATO Training Mission-Afghanistan-NTM-A

- بهبود سیستم مدیریتی، مالی و لجستیکی؛
- پشتیبانی در طراحی ساختارهای اداری.

اگرچه اصلاحات نهادی در سطوح حرفه‌ای موفقیت‌آمیز بود، اما به دلیل ضعف مشروعیت سیاسی، فساد درون‌سازمانی و ناکافی بودن مشارکت سیاسی، اثرگذاری آنها در پایداری دولت جمهوری اسلامی افغانستان محدود باقی ماند.

#### ۵. مبارزه با مواد مخدر

یکی از اهداف و عملکردهای ناتو در افغانستان، مبارزه با مواد مخدر بود که از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌هایی بود که ناتو در افغانستان برای خود تعریف کرده بود. اما نکته قابل توجه این بود که چون کشت خشخاش و تهیه تریاک از جمله منابع مهم درآمد دهقانان در برخی از ولایت‌های افغانستان بود، مبارزه با آن باید با ظرافتی خاص صورت می‌گرفت تا سبب آشوب یا بی‌اعتمادی مردم به آیساف و دولت مرکزی افغانستان نشود. به این لحاظ، دولت امریکا جدول تحقق سیاست مبارزه با مواد مخدر را به شرح زیر تدوین کرد:

- روشن‌سازی افکار عمومی؛
- تشویق کشت محصولات جایگزین؛
- معدوم‌سازی مزارع و کارگاه‌های تولید؛
- ممنوع‌سازی کشت؛
- تصویب مقررات کیفری از سوی دولت ملی (بزرگمهری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱-۱۵۲).

گرچه مبارزه با مواد مخدر از جمله وظایف اصلی آیساف محسوب نمی‌شد، اما ناتو در این چهارچوب ملزم به حمایت از برنامه مبارزه با مواد مخدر دولت افغانستان بود (تویسرکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰). با وجود این، اما در عمل ناتو نتوانست به موفقیتی در این زمینه دست یابد. حمایت ناتو از نیروهای ملی افغانستان در جهت ویرانی مزارع خشخاش، نه تنها به کاهش تولید مواد مخدر منجر نشد، بلکه این معضل افزایش یافت. با توجه به آمارهای ارائه‌شده، تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان نسبت به سال‌های آغازین حضور ناتو در این کشور افزایش چشمگیری داشت و می‌توان گفت که اقتصاد کشور به میزان گسترده‌ای به تجارت مواد مخدر وابسته شد. این امر سبب شد که برخی از کشورها از جمله روسیه، نیروهای ناتو در افغانستان را متهم کردند که برای محدود کردن تولید و صدور هروئین در این کشور، به حد کافی تلاش نکرده‌اند (روزنامه ۸ صبح، ۱۳۸۸).





نیروهای ناتو نه تنها در مبارزه با مواد مخدر در افغانستان به موفقیت نرسیدند، بلکه در برخی موارد آنها متهم به نقش آفرینی در تقویت مواد مخدر در افغانستان شدند. در یکی از اظهارنظرهای ضمیر کابلوف، نماینده ویژه‌ی روسیه در امور افغانستان، آمده است: «قاچاق مواد مخدر افغانستان تحت کنترل مافیای بین‌المللی ایجاد شده توسط امریکا است» (TASS, 2025). همچنان براساس ادعای دیمیتری مدودف، مشاور امنیت ملی روسیه، امریکا در ۲۰ سال گذشته علاقمند به صادرات هروئین افغانستان به روسیه و کشورهای دیگر بود (آریانانویز، ۱۴۰۲). بدین لحاظ، نیروهای ناتو نتوانست در امر مبارزه با مواد مخدر در افغانستان دستاوردهایی خاصی داشته باشند. جالب‌تر اینکه کشت و تولید مواد مخدر بیشتر در مناطقی صورت می‌گرفت که تحت کنترل نیروهای خارجی، به‌ویژه آمریکایی و انگلیسی بود.

#### و) تحلیل و ارزیابی

عملکرد و راهبردهای امنیتی ناتو در افغانستان را می‌توان در چهارچوب نظریه امنیت جمعی و در سه سطح «حفظ صلح»، «احیای صلح» و «صلح‌سازی» تحلیل و ارزیابی کرد. در سطح «حفظ صلح»، ناتو توانست در مقاطعی با استقرار نیروهای گسترده، انجام عملیات نظامی و تمرکز بر تهدیدهای فوری، میزان خشونت را در کشور کاهش داده و کنترل نسبی را بر مراکز شهری و مسیرهای استراتژیک برقرار کند. باوجوداین، این دستاوردها عمدتاً موقتی و وابسته به حضور مستقیم نیروهای خارجی بود و با کاهش نیروها نامانی افزایش یافته و با خروج این نیروها، نظام سیاسی کاملاً با سقوط مواجه شد. این امر نشان می‌دهد که موفقیت ناتو در «حفظ صلح»، موقتی و ناپایدار بوده است.

در سطح «احیای صلح»، عملکرد ناتو با محدودیت‌های جدی مواجه بود. این ائتلاف با تصرف سراسری کشور، بیشتر بر راه‌حل‌های نظامی تمرکز داشت و نتوانست به‌طور مؤثر زمینه‌های یک توافق سیاسی پایدار میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه‌های مخالف آن را فراهم کند. نبود یک راهبرد منسجم برای ادغام روندهای نظامی و سیاسی موجب شد که دستاوردهای میدانی به نتایج سیاسی پایدار تبدیل نشود. در نتیجه، تلاش‌ها برای کاهش پایدار منازعه و جنگ و ایجاد یک نظم سیاسی و امنیتی پایدار، با موفقیت محدودی همراه بود.

در سطح «صلح‌سازی»، ناتو اقداماتی مانند آموزش و تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان، اجرای برنامه‌های بازسازی ولایتی (PRT) و حمایت از اصلاحات نهادی را در دستور



کار قرار داد. این اقدامات اگرچه در کوتاه مدت به تقویت ظرفیت های امنیتی و اداری دولت کمک کرد، اما به دلیل ضعف ساختاری نهادها، وابستگی شدید به حمایت خارجی و چالش های سیاسی داخلی، این دستاوردها از پایداری لازم برخوردار نبود. به دیگرسخن، هرچند ناتو در ایجاد زیرساخت های اولیه امنیتی و نهادی نقش مهمی ایفا کرد، اما در نهادهای سازی آنها و تضمین تداوم عملکرد مستقل آنها موفقیت کامل نداشت.

در مجموع، ارزیابی راهبردها و عملکردهای ناتو نشان می دهد که این ائتلاف در تحقق اهداف کوتاه مدت امنیتی، به ویژه در مهار نسبی و تهدیدات امنیتی، تا حدی موفق بوده است؛ اما در دستیابی به هدف کلان یعنی ایجاد امنیت پایدار و با ثبات شکست خورده است. این ناکامی را می توان ناشی از وابستگی ساختاری نهادهای امنیتی به نیروهای خارجی، ناهماهنگی میان اعضای ناتو و کشورهای منطقه ای، بی توجهی به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افغانستان (جلالی و الماسی، ۱۳۸۹، ص ۴۰)، ناهماهنگی میان اهداف سیاسی و ابزارهای نظامی، بی اعتمادی نسبت به دولت مرکزی افغانستان، ضعف مشروعیت سیاسی، فساد اداری و در نهایت افزایش قدرت و فعالیت نیروهای امارت اسلامی دانست. این چالش ها سبب شد که دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۲۰۲۱ کاملاً با سقوط مواجه شود؛ امری که نشان داد امنیت سازی با دخالت نیروهای خارجی هرگز امکان پذیر نیست.

جدول ۱. شاخص های موفقیت ها و ناکامی های ناتو در افغانستان

سطح تحلیل	راهبردها	عملکردها	نتیجه
حفظ صلح	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد آیساف برای تثبیت امنیت در کابل</li> <li>- تمرکز روی تهدیدات فوری</li> <li>- توسعه مناطق عملیاتی</li> <li>- گذار به مأموریت آموزشی و مشاوره ای</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مقابله با القاعده</li> <li>- گسترش مناطق استراتژیک</li> <li>- ایجاد و آموزش نیروهای امنیتی</li> <li>- ایجاد اصلاحات در بخش امنیتی</li> <li>- مبارزه با مواد مخدر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- دستاوردهای موقتی و محدود</li> <li>- افزایش مجدد ناامنی</li> <li>- افزایش کشت و قاپچاق مواد مخدر</li> <li>- سقوط نظام جمهوری اسلامی</li> </ul>





<b>احیای صلح</b>	- گسترش عملیات به سراسر افغانستان - مأموریت‌های ترکیبی نظامی و ملکی	- عملیات ضد شورش در مناطق بحرانی - آموزش و تجهیز نیروهای ملی - اصلاحات نهادی در بخش امنیتی	- افزایش توانمندی نیروهای امنیتی افغان - تصرف کامل مناطق - احیای قدرت دولت در اجرای قوانین
<b>صلح سازی</b>	- مشاوره و آموزش - حمایت از توسعه نهادهای امنیتی	- آموزش، مشاوره و انتقال مسئولیت‌ها - پشتیبانی از اصلاحات نهادی و ساختاری اداری-نظامی - مبارزه با مواد مخدر	- استقلال نسبی عملیاتی نیروهای امنیتی - مدرن سازی سیستم امنیتی - ناکامی در امر مبارزه با مواد مخدر

منبع: نویسنده

### نتیجه‌گیری

این مقاله با بهره‌گیری از چهارچوب نظری امنیت جمعی، راهبردها و عملکردهای امنیتی سازمان پیمان اتلانتیک شمالی یا ناتو را در افغانستان ارزیابی کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این ائتلاف توانست در برخی مقاطع زمانی به دستاوردهای مهمی در حوزه کنترل تهدیدات و ایجاد ثبات نسبی دست یابد. مأموریت ناتو در سال‌های ابتدایی، موفق شد تهدید فوری تروریسم بین‌المللی را کاهش دهد، ساختارهای اصلی القاعده را متلاشی و برای مدتی کنترل نسبی بر تمامی از قلمرو افغانستان برقرار کند. همچنین، با فعال‌شدن ماده پنجم پیمان امنیت جمعی پس از حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱، منطق امنیت جمعی در عمل به اجرا درآمد و افغانستان به صحنه نخستین عملیات برون‌منطقه‌ای گسترده ناتو تبدیل شد. باوجوداین، دستاوردهای امنیتی عمدتاً ماهیت تاکتیکی و کوتاه‌مدت داشت و در بلندمدت، به دلیل ادامه نامنی، اقتصاد مواد مخدر و شکنندگی نهادهای داخلی، پایداری لازم را نیافت.

تشکیل و توسعه نیروهای امنیتی ملی، حرفه‌ای‌سازی نسبی ساختارهای دفاعی و انتقال مسئولیت‌های امنیتی به دولت افغانستان، از جمله دستاوردهای قابل توجه در این مرحله بود. با وجود این، وابستگی ساختاری نیروهای امنیتی به حمایت مالی، اطلاعاتی و هوایی خارجی، ضعف مشروعیت سیاسی، مشکلات ساختاری حکمرانی و فساد اداری موجب شد که این دستاوردها تثبیت نشوند. فروپاشی سریع ساختارهای امنیتی در سال ۲۰۲۱ نشان داد که دولت‌سازی بدون نهادینه‌سازی مشروعیت و خودکفایی نهادی، شکننده و آسیب‌پذیر باقی می‌ماند.

در مجموع تجربه افغانستان این مسئله را به اثبات می‌رساند که اجرای الگوی امنیت جمعی اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است تهدیدهای فوری را مهار کند، اما بدون توجه به فرایندهای بومی، به ثبات پایدار منجر نمی‌شود. امنیت پایدار نه صرفاً محصول حضور نظامی، بلکه نتیجه تعامل و هماهنگی میان اهداف، راهبردها و عملکردهاست. از این رو، مطالعه عملکرد ناتو در افغانستان نشان می‌دهد که موفقیت عملیات‌های امنیت جمعی در عصر پساجنگ سرد، بیش از هر زمان دیگری وابسته به تلفیق مؤثر امنیت‌سازی و دولت‌سازی در چهارچوب فرهنگ و ارزش‌های ملی و بومی کشورهاست.



۱. احمد، لیمه، آیا سازمان ناتو در اصلاح بخش امنیتی در محیط‌های درحال توسعه و پسمانازه ظرفیت تخصصی لازم را دارد؟ (ترجمه حیات الله بیان)، مجله زنان و صلح‌سازی افغانستان، شماره ۱، ۲۰۲۰، ص ۴۴-۶۵.
۲. آریانانیوز، (۲۰۲۴)، مدودف: امریکا علاقمند صادرات هرویین افغانستان به روسیه بود، بازیابی شده از: Ariana News. <https://bit.ly/3K9hQwF>
۳. امینی، آرمن، حسین‌خانی، الهام، نقش ناتو در گسترش جامعه‌ی امن اروپای غربی، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۱، شماره ۳، ۱۳۹۲، ص ۱۹۲.
۴. بزرگمهری، مجید، حضور ناتو در افغانستان و چالش‌های پیش‌روی آن، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۲، شماره مسلسل ۴۸، ۱۳۹۲.
۵. تویسرکانی، مجتبی، همکاری روسیه و ناتو در جریان مبارزه با مواد مخدر افغانستان: دلایل، شواهد و چشم‌اندازها، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، ۱۳۸۹.
۶. خانی، علی عبدالله، (۱۳۸۹) نظریه‌های امنیت، تهران، نشر مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۷. رحمانی، علی، (۱۳۸۳) پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در افغانستان، (در ویژه‌نامه افغانستان پس از طالبان، ص ۱۴۲)، تهران، نشر ابرار معاصر تهران.
۸. سلام‌وطندار، (۲۰۱۷، می ۲۴) حمایت ناتو از روند صلح افغانستان و باورمندی به توانایی نیروهای امنیتی، *SWN.af*. Retrieved February 28, 2026, from <https://swn.af/archive>
۹. سلیمانی، فاطمه، شجاع، مرتضی، امریکا و گسترش نقش امنیتی ناتو در جهان، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۱-۲۷۲.
۱۰. سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۸۸) معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۱. عاکفی‌قاضیانی، محمد، عاکفی‌قاضیانی، موسی، عملکرد نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد: توسل به زور با تجویز شورای امنیت، فصلنامه مطالعات بین‌المللی: سال ۱۷، ۱۳۹۹، شماره ۱ (۶۵)، ص ۱۱۵-۱۳۹.
۱۲. محمدی، محمود، پیوند امریکا، ناتو و سایر سازمان‌های بین‌المللی: با نگاهی به آینده‌پژوهی در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال ۱۱، شماره ۲، ۱۳۹۹، ص ۲۶.
۱۳. مطیع، مطیع‌الله، (۱۳۹۵) نقش ناتو در دموکراسی‌سازی در افغانستان، (پایان‌نامه ماستری)، کابل، دانشگاه خاتم‌النبین.
۱۴. مک‌کین‌لای، آر. دی، لیتل، آر، (۱۳۸۰) امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها (ترجمه اصغر افتخاری)، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. ملازهی، پیرمحمد، حضور ناتو و امریکا در افغانستان و تأثیر آن بر ایران و جهان اسلام، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۲۵، ۱۳۸۵.



۱۶. هشت‌صبح، (۱۳۸۸، ۹ حوت)، انتقاد روسیه از کوتاهی ناتو در ارتباط با مواد مخدر، بازیابی

شده در ۲۸ فروردی ۲۰۲۶، از: <https://8am.media/fa>

1. Claude, Inis L., Jr. (2006). Collective security as an approach to peace. In David M. Goldstein, Phil Williams, & Jay M. Shafritz (Eds.), *Classic readings and contemporary debates in international relations* (pp. 352–364). Thomson Wadsworth.
2. Jones, Seth G., & Fair, C. Christine. (2010). *Counterinsurgency in Afghanistan*. RAND Corporation. <https://www.rand.org/pubs/monographs/MG965.html>
3. Khaama Press. (2023, November 12). Medvedev: The unfinished twenty-year task of NATO in fighting drugs was completed by the Islamic Emirate in one year. Khaama Press. <https://www.khaama.com/persian/archives/127047>
4. Looti, M. (2025). Military performance. *Psychological Scales*. <https://scales.arabpsychology.com/trm/military-performance/>
5. *Military Strategy Magazin*, "What is Strategy?" (2013). MSM Brief, <https://doi.org/10.64148/msm.brief.669>
6. Morelli, V., & Belkin, P. (2009, August 25). NATO in Afghanistan: A test of the transatlantic alliance. Congressional Research Service. [https://www.everycrsreport.com/files/20090825\\_RL33627\\_40b2de846541547e3ba2fb3351ffbb168cd2ffbc.pdf](https://www.everycrsreport.com/files/20090825_RL33627_40b2de846541547e3ba2fb3351ffbb168cd2ffbc.pdf)
7. NATO. (2006, September 6). Declaration on enduring cooperation between the North Atlantic Treaty Organisation and the Government of the Islamic Republic of Afghanistan. <https://www.nato.int/en/about-us/official-texts-and-resources/official-texts/2006/09/06/declaration>
8. NATO. (2006, September 6). NATO solidifies cooperation with Afghanistan. NATO. <https://bit.ly/3Rr2kOD>
9. NATO. (2022, August 31). NATO and Afghanistan. <https://www.nato.int/en/what-we-do/operations-and-missions/nato-and-afghanistan>
10. NATO. (2022, May 30). ISAF's mission in Afghanistan (2001–2014). <https://www.nato.int/en/what-we-do/operations-and-missions/isafs-mission-in-afghanistan-2001-2014>
11. NATO. (2022, May 30). Resolute Support Mission in Afghanistan (2015–2021). <https://www.nato.int/en/what-we-do/operations-and-missions/resolute-support-mission-in-afghanistan-2015-2021>
12. Nickols, F. (2016). *Strategy: Definitions and meanings*. Retrieved from [https://www.nickols.us/strategy\\_definitions.pdf](https://www.nickols.us/strategy_definitions.pdf)
13. North Atlantic Treaty. (1949, April 4). Washington, D.C.: North Atlantic Treaty Organization. Retrieved from [https://www.nato.int/cps/en/natohq/official\\_texts\\_17120.htm](https://www.nato.int/cps/en/natohq/official_texts_17120.htm)
14. Rynning, Sten, & Hilde, Paal Sigurd. (2022). Operationally agile but strategically lacking: NATO's bruising years in Afghanistan. *LSE Public Policy Review*, 2(3), 1–11. <https://doi.org/10.31389/lsepr.55>
15. TASS. (2025, July 28). Russian envoy blames Afghan drug trafficking on US-spawned international drug mafia. TASS. Retrieved February 28, 2026, from <https://tass.com/world/1486147>
16. Taylor, Claire. (2003). *NATO: The Prague Summit and beyond* (Research Paper 03/05). House of Commons Library.
17. Zyla, Benjamin. (2025). The international peace- and state-building intervention in Afghanistan: Distilling lessons to be learned. *Ethics & International Affairs*, 39(1), 1–18. <https://doi.org/10.1017/S0892679425100026>.

